

منزلت اخلاق پژوهش در کتاب‌های روش تحقیق به زبان فارسی: بررسی انتقادی

سید حسن اسلامی اردکانی*

چکیده

انتظار می‌رود که ضوابط اخلاق پژوهش، مانند پرهیز از سرقت علمی، سوگیری در تحلیل، و دستکاری داده‌ها یا نتایج، در کتاب‌های روش تحقیق آموزش داده شود. پرسش اصلی این تحقیق آن است که آیا به این انتظار پاسخ داده شده است؟ نگارنده کتاب‌های روش تحقیق را که به زبان فارسی تألیف شده‌اند، بررسی کرد و آنها را در پنج گروه گنجانده. برخی از این آثار اساساً فرآیند تحقیق را امری فنی دانسته، از طرح اخلاق پژوهش دوری کرده‌اند. شماری دیگر نیز اخلاق پژوهش را تنها به مثابه صفات شخصی پژوهشگر دانسته، از پیش کشیدن مسائلی که پژوهشگر در فرآیند تحقیق با آنها مواجه می‌شود، غفلت یا خودداری کرده‌اند. پیشنهاد اساسی نویسنده، پس از تحلیل این آثار، آن است که در کتاب‌های روش تحقیق، فصلی مشخص به اخلاق پژوهش اختصاص داده شود و در آنها طی پنج محور مسائل اخلاق پژوهش مورد بحث قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اخلاق پژوهش، روش تحقیق، کتاب‌های روش تحقیق - آسیب‌شناسی، روش پژوهش، اخلاق تحقیق.

۱. طرح مسئله

با قبول در هم تنیدگی علم و اخلاق، از محققان انتظار می‌رود تا در اجرا و گزارش تحقیق خود ضوابط اخلاقی را رعایت کنند و به اخلاق پژوهش پایبندی نشان دهند. اما مسئله آن است که این ضوابط چیست و محققان آنها را چگونه و در کجا باید فراگیرند؟ با توجه به آنکه درسی عمومی به نام «اخلاق پژوهش» در نظام آموزش عالی ما گنجانده نشده است، این وظیفه بر عهده درس روش تحقیق و کتاب‌هایی قرار می‌گیرد که با این عنوان ارائه می‌شود. هدف این پژوهش بررسی میزان توجه به اخلاق پژوهش در این آثار و نحوه مواجهه با این بحث است. مقصود از اخلاق پژوهش در این نوشته ضوابطی است که پژوهشگران ملزم به رعایت آنها در همه مراحل فرآیند تحقیق هستند، مانند پرهیز از دستکاری داده‌ها و نتایج، تحریف دیدگاه حریف، سوء استفاده از آزمون‌های انسانی، سرقت علمی و تجاوز به حقوق معنوی دیگران (اسلامی، ۱۳۹۰ الف، ص ۳۸-۴۰).

اما مقصود از کتاب‌های روش تحقیق چیست؟ واقع آن است که امروزه آثار متعددی تحت عنوان روش تحقیق منتشر می‌شود که گاه مباحث آنها همپوشی دارد و گاه از هم دور می‌شود. به تعبیر دیگر، در بحث روش تحقیق سطوح مختلف پژوهشی از مسائل نگارشی گرفته تا مسائل روش‌شناختی و نظری صرف خلط می‌شود و گاه در کتابی که در باب روش‌شناسی و فلسفه علم نوشته شده است، شاهد مباحثی چون شیوه مطالعه یا یادداشت برداری هستیم و حاصل آن سردرگمی دانشجو و ابهام مباحث است. برای مثال، سعید ناجی (۱۳۸۲) در نقدی که بر یکی از این آثار نوشته^۱، این معضل را نشان داده است. وی همچنین با مرور برخی کتاب‌های روش تحقیق و با اشاره به سرفصل‌های این درس، برخی کاستی‌های روشی آنها را، از جمله خلط بین سطوح بحث، بیان کرده است. از نظر وی، در کشور ما بین روش‌شناسی یا متدلوژی، فلسفه علم، روش تحقیق و روش نگارش مقاله و پایان‌نامه خلط شده و در نتیجه هر استادی در درس روش تحقیق ممکن است مباحث متفاوتی پیش بکشد (ناجی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). البته ظاهراً این دشواری اختصاص به کشور ما ندارد و خانم آلیسون جین

۱. نوالی، محمود (۱۳۸۰)، فلسفه علم و متدلوژی، تبریز، دانشگاه تبریز.

پاکارد^۱ نیز در مقدمه کتاب روش تحقیق خود تصریح می‌کند که واژه‌های «متد»، «تکنیک»، «استراتژی»، «رهیافت» و مانند آنها از سوی نویسندگان مختلف عرصه اطلاع‌رسانی به معانی گوناگونی به کار برده می‌شود و بخش عمده این ناهماهنگی زاده خصلت میان‌رشته‌ای رهیافت‌های مختلف به روش تحقیق است. (پاکارد، ۲۰۰۷، XIV)

از این رو، بهتر است نخست سطوح مختلف روش پژوهش را مشخص و روشن کنم که در کجای بحث قرار دارم. از میان تقسیم‌بندی‌های مختلفی که به دست داده شده است، در اینجا به دلیل روشنی، سادگی و برای پیش‌بردن بحث، تنها به تقسیم‌بندی پاکارد بسنده می‌کنم. به استناد وی، می‌توان سلسله مراتب تحقیق را دارای پنج سطح شمرد که از پارادایم یا سرمشق آغاز می‌شود و به ابزار تحقیق می‌انجامد. از این منظر، پارادایم یا سرمشق پژوهش، عبارت است از جهان‌نگری^۲ محقق که نحوه نگاه او را به مسائل تعیین می‌کند. برای مثال، در عرصه پژوهش ما شاهد دو پارادایم مسلط هستیم: پارادایم پوزیتیویستی و پارادایم تفسیری.^۳ پس از آن که محقق پارادایم خود را برگزید، «روش‌شناسی»^۴ متناسب با آن را انتخاب خواهد کرد. معمولاً کسانی که پارادایم پوزیتیویستی را برگزیده‌اند، در این مرحله روش‌شناسی کمی^۵ را انتخاب می‌کنند، حال آن که مدافعان پارادایم تفسیری، روش‌شناسی کیفی^۶ را برمی‌گزینند. در مرتبه سوم، «روش پژوهش»^۷ قرار می‌گیرد و محقق متناسب با روش‌شناسی خود، روش‌هایی چون پیمایش یا بررسی موردی را به کار می‌گیرد. در چهارمین مرحله نوبت به «تکنیک پژوهش»^۸ می‌رسد و محقق از شیوه‌هایی مانند مصاحبه، پرسشنامه و آزمایش برای گردآوری اطلاعات بهره می‌گیرد. سرانجام «ابزار پژوهش»^۹ مانند انسان، کاغذ، و مداد قرار می‌گیرد. (همان، XV-XVII)

حال می‌توان آثاری را که در عرصه روش پژوهش نوشته شده است، بر اساس

1. Alison Jane Packard.
2. World view.
3. Interpretivist paradigm.
4. Methodology.
5. Quantitative methodology.
6. Qualitative methodology.
7. Research method.
8. Research technique.
9. Research instrument.

معیار فوق طبقه‌بندی کرد. برخی از آنها صرفاً به پارادایم‌های پژوهش اختصاص دارند و برخی همه این موارد را پوشش می‌دهند. در این نوشته صرفاً آثاری بررسی خواهند شد که مرحله سوم تا پنجم را پوشش داده‌اند و به اصطلاح بر «اجرای پژوهش» تأکید دارند دارند، نه مسائل نظری آن.

با این نگاه، می‌توان محدوده بحث را معین ساخت. آثار متعددی در زبان فارسی در باب روش تحقیق، فنون پژوهش، آیین پژوهش، و روش‌شناسی تحقیق منتشر شده است که می‌توان آنها را به چهار گروه عمده تقسیم کرد: (۱) روش‌شناسی تحقیق به معنای خاص کلمه، (۲) آیین و روش تدوین پایان‌نامه و مقالات تحقیقی، (۳) فنون و تکنیک‌های گردآوری اطلاعات و تحلیل آنها، و (۴) آیین نگارش علمی و راهنماهای نگارش مقالات.

برخی از این آثار در واقع به بحث از بنیادهای فلسفی و نظری روش‌های تحقیق می‌پردازند و برای مثال، در پی تبیین و تحلیل و اعتبارسنجی یا بی‌اعتبارسازی روش کمی در تحقیق بر می‌آیند. برای مثال، کتاب *برضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*^۱ از این دست آثار به شمار می‌رود که در پی فهم بنیادهای فلسفی و پیش‌فرض‌های اساسی حاکم بر انواع روش‌های تحقیق هستند. روش‌شناسی مرحله عمیق‌تری است که فهم و کاربری آن نیازمند ممارست است و فراتر از سطح کارشناسی و گاه کارشناسی ارشد به شمار می‌رود. این قبیل آثار با این فرض نوشته می‌شوند که خواننده آنها با مباحث عمومی تحقیق و کاربرد آنها به‌نیکی آشنا است. در نتیجه، این قبیل آثار به خواننده‌ای که خود پژوهشگر است، «قدرتی می‌دهد که بتواند به یک موضوع از جهات مختلف بنگرد و آن را از زوایای مختلف بررسی کند» (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۱۹) و همچنین هنگام بررسی پژوهش‌هایی که بر اساس روش‌های مختلف صورت گرفته است، تأمل روش‌شناسانه کند و مفروضات آنها را دریابد و در باب قوت و ضعف آنها داوری کند (همان).

نوع دیگر کتاب‌هایی که در عرصه تحقیق نوشته می‌شوند و جزو ادبیات پژوهش به شمار می‌روند، آثاری هستند که برخی از تکنیک‌ها و روش‌های معین گردآوری یا تحلیل اطلاعات و داده‌ها را توضیح می‌دهند. در این قبیل کتاب‌ها نه مبانی و بنیادهای

۱. محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *برضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران، جامعه‌شناسان.

نظری تحقیق تحلیل می‌شوند و نه فرآیند کامل تحقیق معرفی می‌شوند و مورد بحث قرار می‌گیرند، بلکه تنها یک یا چند تکنیک مشخص توضیح داده می‌شوند. برخی از این آثار عبارتند از: تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی،^۱ تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی،^۲ و پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS،^۳ در این پژوهش نیز با این سنخ کتاب‌ها کاری نداریم. چهارمین نوع آثار عرصه پژوهش عبارتند از آثاری که با تأکید بر شیوه نوشتن و آیین نگارش علمی فراهم آمده‌اند، همچون کتاب نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش.^۴

در پژوهش حاضر، صرفاً نوع دوم مورد بررسی قرار گرفته است، یعنی آثار بومی و تولیدی که شیوه اجرای تحقیق را تعلیم می‌دهند.

فرضیه اولیه این پژوهش که بررسی‌های بعدی آن را تأیید کرد، آن است که اخلاق پژوهش در این کتاب‌ها جایگاه لازم خود را ندارد و لازم است که در این زمینه کاری جدی صورت گیرد و این غفلت که میراث نگرش پوزیتیویستی به علم و جدایی دانش از ارزش است، برطرف گردد و به‌جد این بحث در آثاری که به قصد آموزش روش تحقیق نوشته می‌شود، گنجانده شود.

۲. دامنه و شیوه

با آن که نزدیک به شصت سال از شکل‌گیری ادبیات روش تحقیق در کشور می‌گذرد و آثار متعددی در زبان فارسی در قالب کتاب و مقاله به صورت تألیف یا ترجمه در این زمینه منتشر شده است، تا کنون برآورد دقیقی از آثار منتشر شده صورت نگرفته و کتاب‌شناسی‌هایی نیز که در این زمینه منتشر شده است، تصویر جامعی از تعداد آنها به دست نمی‌دهند. رونق (۱۳۶۴، ص ۶۰-۶۲)، در کتاب‌شناسی خود جمعاً مشخصات ۷۶

۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۲. کرپندورف، کولس (۱۳۸۶) تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نی.

۳. کلاتری، خلیل (۱۳۸۵) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS، تهران، شریف.

۴. موسی‌پور، نعمت‌الله و علوی، سید حمیدرضا (۱۳۸۵)، نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

اثر اعم از کتاب و مقاله، تألیف و ترجمه، و چاپ شده و به صورت پلی‌کپی را ذکر می‌کند. با این حال، برخی از این منابع، به طور مشخص، در حوزه روش تحقیق نمی‌گنجند، مانند مقاله «تحلیل استنادی و شباهت‌های آن با علم الحدیث» (همان، ص ۶۰). یاحقی و ناصح (۱۳۶۸، ص ۱۷۳-۱۸۹) نیز در پیوستی «کتاب‌شناسی نگارش و ویرایش و روش تحقیق» را می‌آورند و در آن ۱۴۶ منبع را، شامل کتاب و مقاله و تألیف و ترجمه و چاپ شده و به صورت جزوه پلی‌کپی، معرفی می‌کنند که به طور مشخص ۴۷ عنوان از آنها به روش تحقیق تعلق دارد. باز در این فهرست شاهد برخی منابع هستیم که با معیار انتخاب شده برای گردآوری و معرفی منابع سازگار نیست، مانند «تحلیل استنادی و شباهت‌های آن با علم الحدیث» (همان، ص ۱۷۷) که به نظر می‌رسد بدون بررسی اصل نوشته و صرفاً به استناد نوشته آقای روتق در این فهرست آمده است.

اصغری‌پور (۱۳۸۵، ص ۱۵۵-۱۶۸) در «کتاب‌شناسی روش تحقیق و روش‌شناسی علوم انسانی»، حوزه کار خود را محدود به کتاب، می‌کند و در آن ۱۶۶ منبع را اعم از تألیف و ترجمه می‌آورد. از این عناوین، سیزده عنوان به شکلی توصیفی معرفی شده‌اند، اما پس از آن صرفاً مشخصات کتاب‌شناختی آثار آمده است. در این کتاب‌شناسی نیز برخی از آثار مشخصاً روش تحقیق نیستند، بلکه به حوزه فلسفه علم تعلق می‌گیرند، مانند «نوالی، محمود، فلسفه علم و متدولوژی»، (همان، ص ۱۶۸). همچنین در این مأخذشناسی شاهد تکرار مدخل‌ها هستیم. برای مثال، آثار گال (همان، ص ۱۵۷ و ۱۶۶)، سریع‌القلم (همان، ص ۱۵۸ و ۱۶۴)، و میردال (ص ۱۶۰ و ۱۶۷) دو بار معرفی شده‌اند.

ایرانی و بختیاری (۱۳۸۲) در پیوستی به نام «کتاب‌نامه روش تحقیق» ۳۱۲ منبع، اعم از ترجمه و تألیف و کتاب و مقاله، را معرفی می‌کنند (ص ۲۶۷-۲۹۵) که تنوع فراوانی دارند و در انتخاب آنها دقت لازم به کار نرفته و آثاری ثبت شده است که روش تحقیق به شمار نمی‌روند، مانند «قواعد فهرست‌نویسی انگلو-آمریکن» (همان، ص ۲۷۰)، که در واقع راهنمای فهرست‌نویسی منابع برای کتابداران است، یا «منطق اکتشاف علمی»

۱. حری، عباس (بهمن و اسفند ۱۳۶۲) تحلیل استنادی و شباهت‌های آن با علم الحدیث، نشر دانش، سال چهارم، شماره ۲.

(همان، ص ۲۷۳) نوشته پوپر، که در واقع در حوزه فلسفه علم می‌گنجد، و یا «موانع رشد علمی در ایران و راه‌حل‌های آن»، نوشته رفیع‌پور (همان، ص ۲۸۰).

۳. تقسیم‌بندی کتاب‌های روش تحقیق

نگارنده با مراجعه به کتابخانه‌های مختلف، کتاب‌های موجود درباره روش تحقیق در آنها را بررسی کرد. در اولین مرحله آثار ترجمه شده را کنار نهاد. در مرحله دوم برخی آثار که عنوان روش تحقیق داشتند، اما عمدتاً رونویسی از آثار دیگران بود از دور بررسی خارج گشت. در نهایت ۶۰ کتاب روش تحقیق تألیف شده به فارسی، یا تألیف و ترجمه شده برای بررسی نهایی انتخاب گشت. بدین ترتیب، پژوهش حاضر، کتاب‌های ترجمه شده و همچنین مقالاتی را که درباره روش تحقیق تألیف یا ترجمه شده‌اند، پوشش نمی‌دهد و انحصاراً به کتاب‌های تألیف شده در باب شیوه اجرای تحقیق اختصاص دارد.

پس از انتخاب نهایی آثار، نگارنده مقدمه آنها را خواند، سراسر آنها را مرور کرد و در صورتی که دارای نمایه موضوعی بودند، آنها را بررسی نمود و با توجه به میزان حضور یا غیاب اخلاق پژوهش در این کتاب‌ها، آنها را طبقه‌بندی و تحلیل نمود.

نتیجه به دست آمده نشان داد که کتاب‌های روش پژوهش را از جنبه میزان حضور اخلاق پژوهش در آنها می‌توان در این پنج گروه گنجاناد: (۱) گروهی که هیچ به اخلاق پژوهش نپرداخته‌اند، (۲) شماری که تنها به ویژگی‌های اخلاقی پژوهشگران اشاره کرده‌اند، (۳) برخی که جسته گریخته به مباحث عام اخلاق پژوهش اشاره کرده‌اند، (۴) گروهی که صرفاً به اخلاق پژوهش ناظر به شرکت‌کنندگان انسانی پرداخته‌اند، و (۵) شماری که به طور مشخص اخلاق عام پژوهش را بحث کرده‌اند.

تقسیم‌بندی فوق ادامه بحث را آسان می‌کند. با این حال، برخی از آثار ممکن است هم‌زمان در دو گروه بگنجد، که در این صورت با توجه به جنبه غالب آنها به گروه خاصی ملحق شده‌اند. حال می‌توان به تحلیل این آثار بر اساس طبقه‌بندی پیشنهادی بالا پرداخت.

۳-۱. غیاب اخلاق پژوهش

در برخی از کتاب‌های روش تحقیق اشاره‌ای به اخلاق پژوهش نشده است و پژوهش تنها به مثابه عملی تکنیکی و فنی معرفی و تحلیل شده است. در این قبیل کتاب‌ها، مراحل مختلف پژوهش از انتخاب موضوع، برگزیدن فرضیه، طراحی تحقیق، گردآوری مواد و مصالح پژوهشی، تحلیل و سازماندهی اطلاعات و سرانجام تدوین و ارائه گزارش تحقیق، بدون اشاره‌ای به مسائل اخلاقی که در سراسر فرایند تحقیق خود را نشان می‌دهد، آمده است.

ستوده (۱۳۷۱) در کتابی که بخش عمده آن را به مرجع‌شناسی و بخشی (۱۸۷ صفحه) را به روش تحقیق در ادبیات فارسی اختصاص داده است، هرچند مباحث متنوعی را، از معرفی منابع گوناگون مرجع تا قطع کتاب و انواع «پونت» و طول سطور، پیش می‌کشد، بحثی از اخلاق در میان نمی‌آورد. معنوی‌پور و خائفی (۱۳۸۸)، بحثی را به اخلاق پژوهش اختصاص نداده‌اند. در مجلدات سه‌گانه روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)، بحثی از اخلاق پژوهش نشده است. در کتاب روش تحقیق در علوم اجتماعی (ساعی، ۱۳۸۶)، که به مثابه «منبع اصلی درس روش تحقیق» برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی تدوین شده است، بحثی از اخلاق پژوهش به میان نیامده است.

محمدپور در فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری (۱۳۸۹)، عمدتاً در پی مسائل بنیادی و نظری و روش‌شناختی تحقیق بوده است، نه شیوه نگارش پایان‌نامه. با این حال، کوشیده است تا ضمن اشاره به «بنیان‌های نظری و فلسفی این روش-یعنی پراگماتیسم- محقق را با انجام تحقیق به روش ترکیبی از طرح مسئله تا نگارش گزارش تحقیق آشنا سازد» (همان، ص ۱۹). به همین سبب، انتظار می‌رفت که در این کتاب شاهد ضوابط اخلاق پژوهش باشیم. با این حال، اثری از مباحث و مسائل اخلاق پژوهش در آن دیده نمی‌شود. افزون بر آن، مؤلف با اصلاح پیشنهادی خود، مراحل روش‌شناسان معروف را که در بردارنده مسائل اخلاقی بوده، از این عنصر تهی کرده است. وی در فصل نهم به نام «مراحل نگارش گزارش تحقیق ترکیبی»، سه شیوه را نقل و نقد می‌کند و سپس شیوه خود را ارائه می‌دهد. یکی از «مراحل اجرای طرح ترکیبی کراسول»، به «مسائل اخلاقی طرح»

اختصاص می‌یابد که در آن محقق لازم است به «مسائل و محدودیت‌های اخلاقی مرتبط با پروژه ترکیبی» (همان، ص ۱۸۲) توجه کند. باز در جدولی که در آن «خلاصه ساختار پروپوزال برای یک رساله یا تز» ترسیم شده است، به «مسائل اخلاقی ممکن» اشاره و در توضیح آن چنین آمده است: «محقق چه طور با مسائل اخلاقی ممکن در مطالعه خود روبرو شده است؟» (همان، ص ۱۸۴). با این حال، در «خلاصه یک طرح تحقیق ترکیبی از نظر مؤلف» (همان، ص ۱۸۶)، که با هدف اصلاح کاستی و تداخل طرح‌های روش‌شناسان غربی صورت گرفته است، مسائل اخلاقی یکسره نادیده گرفته شده است و هیچ اشارتی به آنها نرفته است. به تعبیر دیگر، در حالی که منابع غربی مورد استناد نویسنده به مسائل اخلاقی توجه کرده و به آنها پرداخته‌اند، نویسنده که در پی بومی‌سازی بحث بر آمده و دیدگاه‌های آنها را اصلاح کرده است، این جنبه را زائد دانسته و حذف نموده است.

در شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی: روش تحقیق عملی (طالب، ۱۳۸۰) که «حاصل قریب بیست سال تدریس روش تحقیق عملی در دانشکده علوم اجتماعی است» (همان، ص ۷) بحثی به اخلاق پژوهش اختصاص نیافته است و کل فرایند تحقیق به نوعی اجرای فنون خاص و تحلیل داده‌ها منحصر شده است. در روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (فراهانی و عریضی ۱۳۸۸)، نشانی از مباحث و مسائل اخلاق پژوهش دیده نمی‌شود. عنذلیب (۱۳۸۱)، با مرور ماهیت پایان‌نامه‌ها و کیفیت آنها در کشور، مراحل تدوین، نگارش و دفاع آنها را تشریح می‌کند، و حتی به برخی نکات نگارشی می‌پردازد، بی آن که اشاره‌ای به مسائل اخلاقی پژوهش داشته باشد.

کتاب روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۸)، از کتاب‌های پرفروش و پرچاپ این عرصه به شمار می‌رود.^۱ همچنین نویسندگان کتاب‌های روش تحقیق بارها به این کتاب ارجاع داده و به آن استناد کرده‌اند. با این همه، در آن نشانی از مباحث و مسائل اخلاقی به چشم نمی‌خورد.

در روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع (دانایی فرد، الوانی و آذر ۱۳۸۳)، بحث مستقلی در باب اخلاق دیده نمی‌شود. تنها هنگام مقایسه پارادایم‌های

۱. ویرایش سوم و پانزدهمین چاپ این کتاب به وسیله انتشارات بدر (تهران، ۱۳۷۸) منتشر شد و اینک ویرایش پنجم و چاپ چهارم آن به وسیله ارسباران منتشر می‌شود و همین نشانه استقبال فراوان از آن است.

سه‌گانه تحقیق، طی یک صفحه به جایگاه اخلاق پژوهش در هر یک از آنها اشاره می‌شود. از این منظر، در پارادایم اثبات‌گرایی و فرااثبات‌گرایی، اصول اخلاقی برای پژوهشگران مهم است، «اما در فرآیند پژوهش دخالت داده نمی‌شود»، در برابر آن در پارادایم نظریه انتقادی «اخلاقیات در فرآیند پژوهش دخیلند، چون هدف پژوهش در این پارادایم زدودن ناآگاهی و سوء برداشت‌ها است». سرانجام به ساخت‌گرایی می‌رسیم که، «رعایت اخلاقیات در این پارادایم ذاتی است. مخفی بودن نیت محقق، مخرب هدف کشف و بهبود سازه است» (همان، ص ۴۷).

محمدی (۱۳۸۷) در کتاب خود به بررسی روش تحقیق کیفی پرداخته، اما بحثی را به اخلاق پژوهش اختصاص نداده است، جز آن که بتوان اشاراتی چون «قابلیت اعتماد، قابلیت اعتبار و تعمیم‌پذیری» تحقیق و «هنر متقاعد کردن» (همان، ص ۱۳۵) را تفسیری اخلاقی کرد. همین حکم درباره طالقانی (۱۳۸۱)، صادق است، مگر آنکه بحث «پایایی» و «روایی» را بحثی اخلاقی بدانیم. کامران و نیک‌خلق (۱۳۸۶) و عزتی (۱۳۷۶)، که در پی آموزش روش تحقیق در علوم اجتماعی برآمده‌اند، بحثی از اخلاق پژوهش به میان نیاورده‌اند. در روش‌شناسی مطالعات دینی: تحریری نو (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷)، بحثی از اخلاق پژوهش به چشم نمی‌خورد. البته برخی مسائل مغالطی و تعلیل‌های نادرستی که معرفی شده است، خود وجهی اخلاقی دارند. با این حال به این نکته تصریح نشده است. در کتاب دو جلدی پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی (میرزایی، ۱۳۸۸)، بحثی مشخص در باب اخلاق پژوهش دیده نمی‌شود و بنیاد کتاب تنها بر مباحث فنی استوار است.

میرزایی و مدیرشهلا (۱۳۸۶)، بحثی را به اخلاق پژوهش اختصاص نداده‌اند. در مقدمه کتاب تأکید شده است که تا کنون کتاب مناسبی «در خصوص روش تحقیق که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای اساتید و دانشجویان در رشته‌های مختلف باشد منتشر نشده» است (آغاز مقدمه بدون صفحه‌شمار) و در ادامه ادعا شده است: «در کتاب حاضر سعی گردیده است که تمام مراحل موجود در پروپوزال طرح‌های پژوهشی متداول و معتبر» بیان شود (همان، صفحه بعد). در این کتاب زیر عنوان «ملاحظات اخلاقی» طی چهار سطر، چهار پرسش مطرح شده، از جمله «آیا تهیه رضایت‌نامه کتبی برای اجرای طرح تضمین شده است؟» سپس گفته شده است که «قبل از شروع تحقیق، تمام سؤالات

مشابه با موارد فوق باید مطرح و اقدامات لازم در خصوص آنها پیش‌بینی گردد» (همان، ص ۵). البته بی‌آنکه در این باره توضیحی داده شود و روشن گردد که چرا باید رضایت‌نامه کتبی اخذ شود و مستند اخلاقی چنین کاری چیست. تنها توصیه اخلاقی این کتاب در انتهای آن و هنگام بحث از راهنمای استخراج مقاله آمده و در آن گفته شده است: «در صورتی که از سازمان یا محلی مورد حمایت مالی قرار گرفته و یا از امکانات مالی آنها استفاده شده باشد، لازم است که تشکر و قدردانی گردد» (همان، ص ۲۷۶).

در روش تحقیق با رویکردی بر پایان‌نامه نویسی، (خاکی، ۱۳۸۶)، بحثی به اخلاق پژوهش اختصاص نیافته است، به جز جمله «پایان‌نامه مظهر توان علمی و اخلاق حرفه‌ای یک دانشجو است» (همان، ص.ع). با آن که مؤلف به مسائلی چون نحوه تنظیم صفحات آغازین پایان‌نامه، و جنبه‌های هنری و ادبی تقدیمیه‌ها توجه کرده و توصیه‌هایی دارد و بخشی را به «چگونه سخنران جذاب و با نفوذی باشیم»، و «چگونگی مواجهه با اخلال‌گران در سخنرانی» اختصاص داده است، بحثی را در جهت بسط «اخلاق حرفه‌ای» که پایان‌نامه را مظهر آن می‌داند و توضیح جمله بالا که به صورت پررنگ و متمایز در انتهای صفحه آمده است، پیش نکشیده است.

در مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی (نبوی، ۱۳۸۴)، که بیست و دومین چاپ آن بررسی شده است، بحثی اخلاقی دیده نمی‌شود. بر عکس، تأکید می‌شود که ارزش‌های شخصی یا اجتماعی، «ملاک و استاندارد اخلاقی و معنوی اشخاص را معین می‌کند و قضاوت‌های روزمره ما نسبت به این امور و وقایع مختلف، ناشی از همین ارزش‌ها است.» اما علت اشاره به این ارزش‌ها آن است که محقق خوب باید بکوشد خود را از اثرات آنها بر کنار نگه دارد و هشیار باشد تا ناخواسته بر تحقیق او اثر نگذارند (ص، ۵۹).

در مبانی روش تحقیق: تدارک مقاله‌های تحقیقی و پایان‌نامه‌های دانشجویی (مهاجری، ۱۳۸۶)، که خام‌دستانه فراهم آمده و از منابع درجه اول استفاده نکرده، به مباحث گوناگونی، از جمله شیوه سخنرانی و ارائه بحث علمی، پرداخته شده است، اما اشاره‌ای به مسائل اخلاقی و اخلاق پژوهش در آن دیده نمی‌شود. در آیین پژوهش و مرجع‌شناسی (احمدی گیوی، ۱۳۷۳)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق (علوی، ۱۳۸۳)، و

مقدمات و روش‌های مطالعه و پژوهش (صافی، ۱۳۸۶)، بحثی درباره اخلاق پژوهش نیامده است.

حاصل آن که در ۲۳ کتاب از کتاب‌های روش تحقیق بررسی شده، مباحث اخلاق پژوهش مطرح نشده و در آنها صرفاً مباحث فنی پژوهش آمده است.^۱

۲-۳. اخلاق پژوهش به مثابه خلقیات پژوهشگران

در برخی کتاب‌های روش تحقیق، به جای بحث از اخلاق پژوهش و ضوابط آن گاه اشاره‌وار و زمانی به تفصیل «ویژگی‌های محقق» یا صفات پژوهشگران بیان و برخی خصوصیات لازمه این گونه افراد، مانند حق‌طلبی، شجاعت، عدالت، بیان بحث شده است. این رویکرد را در آثار زیر می‌توان دید.

خواجانه‌نوری (۱۳۷۴) در این کتاب که مقدمه چاپ اول آن تاریخ ۱۳۴۵ را بر خود دارد و با روش تجربی و با تأکید بر کاربست تکنیک‌های آماری نوشته است، هنگام بحث از «شرایط محقق» طی یک صفحه شش صفت محقق را نقل می‌کند: دانایی و اطلاع از حوزه تخصصی خویش، علاقه‌مندی به تحقیق، ابتکار در عمل، دقت و داشتن قدرت مشاهده کافی، عمیق بودن و دوری از سطحی‌نگری، و انصاف و داشتن وجدان. (ص ۱۲-۱۳). لازمه صفت آخر آن است که محقق، «هیچ وقت جهت و وضع تحقیق را به نفع هدف‌های شخصی خود تغییر ندهد. همیشه بکوشد تا هر طور شده حقیقت را کشف و اظهار کند، نه این که به منظور اثبات نظر شخصی خود مثلاً آمار و اطلاعات دروغ بسازد و یا قسمتی از آنها را تغییر دهد» (همان، ص ۱۳).

مصدق (۱۳۵۰)، افزون بر اشاره به «نقش تعصب در تحقیق» و ضرورت دوری از آن (ص ۱۱۰)، طی یک صفحه و نیم «خصوصیات محقق» را بیان و در آن به رابطه اخلاق و تحقیق می‌پردازد و دو دیدگاه را بازگو می‌کند. طبق مدافعان دیدگاه نخست،

۱. کتاب خلاصه مباحث روش‌های تحقیق و آمار ویژه متقاضیان ورود به دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد. کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتابی تألیفی و مستقل به شمار نمی‌رود و «خلاصه چهار کتاب شناخته شده» در حوزه «مبانی نظری تحقیق» و «مبانی نظری آمار» (آخشیک، ۱۳۸۹، ص ۱۳) است. با این حال، به مثابه آینه کتاب‌های روش تحقیق می‌تواند بررسی شود. بخش نخست به روش تحقیق اختصاص یافته است و با توجه به نوع آن باید همه مباحث روش تحقیق را که در کتاب‌های دیگر آمده است و یا در کنکور مورد سؤال قرار می‌گیرد، پوشش دهد، با این همه در آن اشاره‌ای به اخلاق پژوهش نشده است.

هدف تحقیق «کشف حقیقت است، نه اثبات فرضیه طرح شده [...] از این رو است که گروهی مسئله تحقیق را از مسئله اخلاق جدا می‌دانند و بررسی موضوع را هرچند مغایر موازین اخلاقی باشد، لازم دانسته، کشف حقیقت را از هر امری برتر می‌دانند.» (همان، ص ۱۱۴). در مقابل، موافقان دیدگاه دوم بر نقش تحقیق در «به‌سازی زندگی بشری» تأکید می‌کنند و «این محققان داشتن صلاحیت اخلاقی را برای هر محقق امری لازم می‌شمارند، اما بیم آن دارند که این عقیده خود حربه خطرناکی در دست دشمنان بشریت گردد و آنان به نام صلاحیت اخلاقی جلوی کار تحقیق بسیاری از محققان واقعی را بگیرند» (همان). همچنین بر ضرورت اهل تعمق بودن محقق و دوری از سطحی‌نگری و نپذیرفتن هیچ سخنی بی‌دلیل تأکید شده است (همان، ص ۱۱۵).

خلیلی شورینی (۱۳۷۵) در رویکرد روش تحقیق در علوم انسانی، به آوردن تنها یک نکته اخلاقی بسنده می‌کند؛ ضرورت تخصص‌طلبی و «شجاعت و شهامت» در تحقیق. وی طی چند سطر، تأکید می‌کند که «بدون داشتن شجاعت و شهامت علمی، نمی‌توان در اقیانوس بیکران تحقیقات وارد شد» (ص ۲۷). وی باز در روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و فرهنگی (خلیلی شورینی، ۱۳۸۱)، عین مطلب بالا را بدون کمترین تفاوتی نقل و تأکید می‌کند: «بدون داشتن شجاعت و شهامت علمی، نمی‌توان در اقیانوس بیکران تحقیقات وارد شد» (همان، ص ۲۵). در واقع این دو کتاب، از جهات عمده، جز تعداد صفحات، یکی هستند و در فهرست منابع هر دو، با آن که شش سال فاصله انتشار دارند، تنها ده عنوان فارسی و شش عنوان انگلیسی به چشم می‌خورد.

در پژوهش روشمند: آشنایی با مقدمات پژوهش (ربانی، ۱۳۷۷)، هنگام بحث از ویژگی‌های پژوهشگران، به ضرورت داشتن صفاتی همچون شکیبایی، تواضع، و دلیری اشاره شده است. دهنوی (۱۳۷۹، ص ۱۳) به آوردن این چهار سطر در باب ویژگی‌های محقق بسنده کرده است: «هدفداری، ایمان، اراده، علمیت، وسعت اندیشه، کنجکاوی، سرعت انتقال، نقادی و نکته‌سنجی، قدرت استدلال، صبر و حوصله، انصاف در داوری، حق‌گویی، واقع‌بینی، آشنایی با زبان‌های بیگانه». در کتاب درآمدی بر روش تحقیق در حقوق (صبری، ۱۳۸۲، ص ۶۰-۶۲)، هنگام سخن از «ویژگی‌ها و قواعد تحقیق علمی»، صفاتی چون «تخصص‌طلبی»، «دقت‌طلبی»، «صبر‌طلبی»، و «جرأت‌طلبی» (ص ۶۰-۶۳)، به صورت کلی‌گویانه آمده است.

فرخزاد در *راهنمای پژوهش تاریخی* (۱۳۸۴)، هنگام بحث از «رفتار آکادمیک»، برخی صفات اخلاقی پژوهشگران را بر می‌شمارد که عبارتند از: داشتن نگاهی عینی و پرهیز از احساسات شخصی، «فروتنی علمی و تعصب نداشتن به یافته‌های خود» (ص ۶۵)، «خودانتقادی»، منظم بودن، و «اعتقاد به کار پژوهش» (همان، ص ۶۷).

استادی (۱۳۸۶) در بخشی از کتابش که تلفیقی از روش تحقیق و مرجع‌شناسی است، صفات لازم محققان را بر می‌شمارد و بر ضرورت آنها در فرآیند تحقیق اشاره می‌کند. ظهوری (۱۳۷۸، ص ۳۲)، زیر عنوان «متخصص تحقیق»، صفات شخصی محقق مانند «تخصص‌طلبی»، «منطقی‌بودن»، «صبور بودن» و کنج‌کاوی آورده است.

نکونام (۱۳۸۶، ص ۳۵-۳۸)، ذیل «ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی پژوهشگر به لحاظ روانی و اخلاقی» چند ویژگی اخلاقی مورد نیاز محققان، مانند ساده‌زیستی، اعتماد به نفس و شجاعت، پشتکار، سعه صدر، و فروتنی، را طی سه صفحه می‌آورد. در همین قسمت، مشخصاً یکی از مسائل اخلاق پژوهش یعنی «امانت‌داری علمی» طی شش سطر مورد بحث قرار گرفته و تأکید شده است که پژوهشگر «نظریات دیگران را به خود نسبت نمی‌دهد» و اگر از دیگران مطلبی را بگیرد، به آنان ارجاع می‌دهد (همان، ص ۳۸).

طوسی (۱۳۷۳)، گستره متنوعی از مباحث از جمله نگارش پایان‌نامه، را پوشش می‌دهد و هنگام بحث از ویژگی‌های پژوهشگر، طی دو صفحه از چهار ویژگی پژوهشگر نام می‌برد: «آگاه، آزاده بوده، و دارای حس همکاری و امانت‌داری باشد» (ص ۲۱). سپس در توضیح چهارمین ویژگی می‌نویسد: «امانت‌داری و ذکر نام و مشخصات افراد و منابعی که مورد استفاده قرار داده است، زیرا چنان‌که من و شما می‌خواهیم هر کس از نتایج کارهای ما بهره می‌برد، به منبع مورد استفاده اشاره کند، دیگران نیز حق دارند این حق را برای خود محفوظ بدارند. در غیر این صورت، به جای برقراری یک سیستم عادلانه علمی و اساسی برای تحقیق و پژوهش و به جای محفوظ ماندن حق محقق و مؤلف و مصنف و مترجم و جز آن، گرفتار یک هرج و مرج اخلاقی و حقوقی زشت و غیرقابل قبول خواهیم شد» (همان، ص ۲۲). سپس طی یک صفحه بیست ویژگی پژوهشگران را به نقل از ولی‌الله آصفی فهرست‌وار نقل می‌کند و از این بحث می‌گذرد (همان، ص ۲۳).

قائمی (۱۳۷۲) در فصل سوم کتاب، با عنوان «محقق کیست؟» از صفات شخصی پژوهشگران سخن می‌گوید و در آن صفات محققان را از جهات روحی، داوری، استنباطی و اخلاقی بیان می‌کند (ص ۶۰-۶۱). در این جا صفاتی چون صبوری، استقامت، صداقت، امانت، وجدان کاری و روحیه حق‌طلبی، آداب‌دانی، و ابراز حق، نه «نه هتاک و هوچیگری» (همان، ص ۶۱)، معرفی شده و در این باب حدود یک صفحه توضیح داده شده است. در کتاب *راهنمای پژوهش و نگارش* (سرافراز، ۱۳۶۶)، که نویسنده خود را «تهیه و تنظیم» کننده دانسته است، هنگام اشاره به «ویژگی‌های پژوهشگر»، صفات شخصی پژوهشگر، مانند نشاط و پشتکار و انگیزه، (ص ۲۹) و نیز ویژگی‌های محل پژوهش، مانند آرامی (همان، ص ۳۰) آمده است.

بدین ترتیب، در چهارده عنوان از کتاب‌های روش تحقیق بررسی شده، اخلاق پژوهش معادل اخلاقیات فردی و خصوصیات پژوهش شمرده شده و با این نگاه توضیحاتی آمده و توصیه‌هایی شده است.

۳-۳. اشارات گذرا به التزام اخلاقی

در برخی کتاب‌های روش تحقیق گاه شاهد اشارات اخلاقی گذرای در لابلاهی بحث‌های مختلف هستیم. در این قبیل آثار، نویسندگان بخش معینی را به بررسی مسائل اخلاقی اختصاص نداده‌اند، با این حال، در مواردی گریزی به نکات اخلاقی قابل توجهی زده‌اند. این گونه آثار در زیر آمده‌اند.

در نوشته کوتاه *اصول روش تحقیق و کاربرد کامپیوتر* (خرسند، ۱۳۵۶)، که در سه فصل تنظیم شده است و در آن مباحث نگارش پایان‌نامه و مانند آن دیده نمی‌شود، طی چند سطر به دو اصل از «اصول اخلاقی و علمی» در اجرای تحقیق اشاره شده است. نخست، «فریب ندادن تحقیق شونده»، دوم، «مداخله نکردن در اعتقادات و احساسات و بر هم زدن وضع موجود تحقیق شونده» (ص ۲۴).

صاحبی (۱۳۸۰)، به سه نکته اخلاقی اشاره می‌کند: (۱) پژوهشگر در صورتی که بخواهد یافته‌های پژوهش خود را منتشر کند، «به لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای بایستی فقط اسامی کسانی که در پژوهش سهم مهمی داشته‌اند را جزو مؤلفان و همکاران مؤلف بیاورد. اما گاهی پیش می‌آید که کارمندان عالی یا مدیران و مسئولان محیط‌هایی که پژوهش در آن جا صورت گرفته، از پژوهشگر می‌خواهند که نامشان جزو مؤلفان ذکر

شود که چنین کاری در حرفه روان‌شناسی غیر اخلاقی است و پژوهشگر باید از آن خودداری کند» (ص ۴۹). در عین حال، تأکید شده است که باید از همه کسانی که در به فرجام رسیدن پژوهش نقشی داشته‌اند، در صفحه سپاسگزاری قدردانی شود (همان). این نکته مجدداً هنگام بحث از نگارش و نشر مقاله بازگو شده است (همان، ص ۲۹۳). (۲) بی هیچ توضیحی اشاره شده است که «گروه‌های مقایسه‌درمانی راهی اخلاقی برای انجام پژوهش فراهم می‌سازند» (همان، ص ۱۸۲) و به همین مقدار بسنده شده است. (۳) سرانجام تأکید می‌شود که در باب برخی مداخله‌های پژوهشگر: «حتی اگر مداخلات بازگشت‌پذیر باشند، قطع مداخله یا درمان در مراحل دوم یا مراحل بعدی با مسائل جدی اخلاقی روبرو است. این کار را شاید بتوان همانند مشکل اخلاقی که گروه‌های کنترل غیر درمانی در طرح‌های مقایسه گروهی با آن روبرویند، دانست؛ با این تفاوت که در اینجا مسئله حادث‌تر است» (همان، ص ۲۰۹). بیش از این بحثی اخلاقی و یا تحلیل مسائل اخلاقی به چشم نمی‌خورد.

در کتاب ایران‌نژاد پاریزی (۱۳۸۲)، بحثی از اخلاق پژوهش نشده است. اما در «فصل ضمیمه» که به «تهیه و تنظیم گزارش تحقیق» اختصاص یافته، طی یک صفحه با سوتیتر «سرقت ادبی» شیوه پرهیز از آن گفته شده است. در اینجا پنج مسئله به هم پیوسته در باب سرقت علمی آمده است: (۱) «چنانچه در متن خودتان از کلمات مؤلف دیگر عیناً استفاده می‌کنید، همیشه از علامت نقل و قول [کذا] استفاده کنید.» (ص ۴۰۰)؛ (۲) هنگام نقل به مضمون سخن کسی، باید منابع خود را ذکر کنید؛ (۳) نقل ایده دیگران نیز نیازمند ارجاع است؛ (۴) دانش عمومی نیازمند ارجاع نیست؛ و (۵) «بهترین طریق احتراز از سرقت ادبی صادق بودن است. وقتی که تردید دارید، مأخذ را ذکر کنید. به خاطر داشته باشید که شما مهارت‌های تحقیق خودتان را با دانستن اینکه چه وقت و در کجا به آن اعتبار ببخشید، نشان می‌دهید» (همان، ص ۴۰۱). در این قسمت پنج بند نقل شده است و تنها در پایان بند اول به متن انگلیسی فرانکفورد ارجاع داده شده است.^۱ حال آن که همه موارد، نه تنها بند اول، از آن فرانکفورد و نجمیاس است.^۲

۱. در انتهای کتاب منبع زیر با غلط‌های متعدد آمده است که آگاهانه حفظ و همراه با این اغلاط نقل می‌شود:
Chave Farnkfort-Nachmais, "Research methods in the Social Sciences." (New York: Worth Publishers, 2000, p. 489.

۲. برای توضیح بیشتر، متن بالا را با ترجمه این کتاب، مقایسه کنید:
چاوا فرانکفورد و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، سروش، ص ۷۶۴-۷۶۵.

اما بحث به گونه‌ای پیش رفته که گویی از یافته‌های مؤلف است. همچنین جملات آغازین این قسمت، به نظر می‌رسد که از ترجمه فارسی نقل شده است، اما به متن انگلیسی ارجاع داده شده است. از آن بالاتر، درست در همین قسمت، دستور اول نقض شده است. طبق دستور نخست باید جملاتی را که عیناً از دیگران نقل می‌کنیم، همیشه در میان علامت نقل قول قرار دهیم. اما این بخش با آن که عیناً از ترجمه این کتاب، یا در حالت خوش‌بینانه آن، از متن اصلی نقل شده، بدون علامت نقل قول به کار رفته و گویی به قلم خود مؤلف است. برای نمونه جمله آغازین این بند چنین است: «چرا باید در متنی که راجع به اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی است، بخشی درباره سرقت ادبی گنجانده شود» (همان، ص ۴۰۰). این قسمت عیناً در ترجمه کتاب فرانکفورد و نچمیاس (۱۳۸۱) به این صورت آمده است: «چرا باید در متنی که راجع به اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی است، بخشی درباره سرقت ادبی گنجانده شود» (ص ۷۶۳). جملات بعدی این بخش نیز به همین صورت است. برای مثال، آخرین جمله این قسمت این گونه است: «به خاطر داشته باشید که با موقع‌شناسی خود در ذکر منابع، مهارت‌های پژوهشی خود را بروز می‌دهید» (همان، ص ۷۶۵). آخرین جمله همین بحث در کتاب ایران‌نژاد پاریزی این گونه است: «به خاطر داشته باشید که شما مهارت‌های تحقیق خودتان را با دانستن این که چه وقت و در کجا به آن اعتبار ببخشید، نشان می‌دهید.» (۱۳۸۲، ص ۴۰۱). این بخش تقریباً نقل کامل همان سخن فرانکفورد است، اما بدون ارجاع به نوشته وی. در واقع، در همین جا خطایی اخلاقی رخ داده است و آن هم نقل عین سخن دیگران بدون استفاده از علامت نقل قول است. هروی (۱۳۸۶) به‌اختصار توصیه می‌کند مورخ باید ارزش‌های خاصی را در خود تقویت کند و بکوشد با واقعیت گذشته در تماس باشد تا «در محیط مورد پژوهش خود بی‌هیچ دغدغه، جانب‌داری، هوس، خودخواهی، سلیقه، منیت به فعالیت اشتغال یابد» (ص ۵۸). همچنین هنگام بحث نگارش، سخن از انتقال و ضرورت «رعایت اصول اخلاقی و آداب امانتداری در فن نویسندگی» به میان آمده و حدود نیم صفحه نکات کلی بیان شده است (همان، ص ۲۳۹). در عین حال صفاتی چون تواضع، پرهیز از تملق، پرهیز از وارونه‌سازی واقعیت، پرهیز از تعصب، و استقلال محقق (همان، ص ۲۴۰-۲۴۱) اشاره‌وار مورد تأکید قرار گرفته است.

میرجعفری و نورائی (۱۳۸۷) در کتاب خود، که به روش پژوهش در تاریخ، اختصاص دارد، عمدتاً طی چند سطر به امانت‌داری می‌پردازند و اشاره می‌کنند: «محقق در هر حال باید امانت‌دار کارهای دیگران باشد. در طول کار خود پیوسته نشان دهد که چه بخشی حاصل تفکرات خود و چه بخشی حاصل زحمات پژوهشگران قبلی است. در این صورت نقل قول و ارجاع‌نویسی، نوعی امانت‌داری علمی نیز به حساب می‌آید» (ص ۱۲۳-۱۲۴). همچنین اشاره مبهمی شده است که «دانشجویان و پژوهشگران نباید از خود نقل قول کنند. چرا که مالکیت همه مطالب تحقیق از آن نویسنده است و نویسنده در متن خود، نباید جایگاه ویژه‌ای برای افتخارات خود در نظر گیرد. مگر اینکه برای آگاهی بیشتر خوانندگان لازم افتد که به کارهای دیگر نویسنده ارجاع داده شود. البته در تحقیقات دانشجویی، چنین کاری مجاز نیست.» زیرا این کارها قوت چندانی ندارند و منتشر نشده‌اند (همان، ص ۱۲۴). سرانجام در پایان بحث و با اشاره به برخی نکات فنی تأکید می‌شود: «افزون بر نکات فوق، مورخ پایبند اخلاق تحقیق نیز هست. هدف رسالتی است که هر مورخی باید در میدان آن فعال باشد. حراست از واقعیت‌های حقیقی گذشته که در نتیجه تحقیقات به دست می‌آیند و نگهبانی مرزهای تاریخ از سوء استفاده و بد استفاده کردن محتوای تاریخ در راستای اهداف ایدئولوژی‌های سیاسی است» (همان، ص ۱۶۲). در این جا، افزون بر کلی‌گویی به منبعی انگلیسی ارجاع داده شده است و معلوم نیست کدام بخش یا نکته از آن منبع گرفته شده است. اما در این کتاب توضیح داده نمی‌شود که اخلاق تحقیق چیست.

ملائی توانی (۱۳۸۶)، در مقدمه روش تحقیق در تاریخ خود تأکید می‌کند که برخی کتاب‌ها مانند مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ (نوشته م. ذاکر)، «بیشتر حاوی دستورالعمل‌های اخلاقی برای دانشجویان هستند و نمی‌توان از آنها روش تحقیق آموخت» (ص ۱۳). آنگاه به ویژگی‌های لازم برای محققان، مانند «پشتکار و صبر و حوصله»، «برخوردار از جرأت و جسارت» برای پرداختن به عرصه‌های ناشناخته و یا مناقشه‌انگیز و شهامت ابراز نظر خویش (همان، ص ۵۶)، بی‌اعتمادی به حافظه (همان، ص ۵۷)، ضرورت «پرهیز از انتساب مطالب دیگران به نام خود و نیز دقت در استنباط از مطالب و به دست آوردن نتایج که با آزاداندیشی، حق‌جویی و پرهیز از سرقت و دوری از پیش‌داوری به دست می‌آید» (همان، ص ۵۸) که مستند به سخن زرین‌کوب

(۱۳۷۱) است، اشاره می‌شود. نویسنده هنگام بحث از شیوه‌های ارجاع، توصیه می‌کند: «برای حفظ امانت و دفاع از روحیه تحقیق، پژوهشگر باید همه مطالب مورد استفاده را ارجاع بدهد و مشخص سازد که کدام مباحث و مطالب با بهره‌گیری از منابع دیگر نگاشته شده است. استفاده غیرمجاز و بدون استناد از زبان و اندیشه‌های یک مؤلف و ارائه آنها به نام خود در حکم سرقت ادبی است؛ این امر چه به صورت سهوی و چه عمدی اساساً مجاز نیست. حتی در استفاده از واژگان و تعابیر مؤلفان دیگر باید وسواس به خرج داد و آنها را در درون علامت نقل قول گذاشت» (ملائی توانی، ص ۱۸۸).

نورائی (۱۳۸۷)، بر ضرورت ذکر منابع و مستندات و پرهیز از سرقت علمی طی نیم صفحه، این گونه تأکید می‌کند: «معرفی منابع مورد استفاده بهترین راه احتراز از سرقت ادبی است [...] این عمل در حقیقت نقطه اوج نادرستی در نگارش است.» (ص ۳۵). بر جلد این کتاب، نام پدیدآورنده چنان آمده است که گویی نویسنده متن است. اما در صفحه عنوان تعبیر «تألیف و ترجمه» به کار رفته و در مقدمه تصریح شده است «این اثر در واقع برگردان قسمت‌هایی از کتاب زیر است» (همان، ص ۱۰) و سپس مشخصات منبع اصلی به انگلیسی آمده است^۱ که ترجمه آن چنین است راهنمای مختصر نگارش در باب تاریخ.

در اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵)، در مجموع دوازده بار اصطلاحات «اخلاق باور»، «اخلاق حرفه‌ای»، و «اخلاق پژوهش» به کار رفته و تنها در چهار مورد برای اثبات یا نفی مطلبی معین به کار برده شده است. این موارد عبارتند از: (۱) «یکی از اصول اخلاق حرفه‌ای در پژوهش، اصل تقدم فهم بر نقد است»، زیرا نقد فاقد فهم، دو پیامد غیر اخلاقی دارد: نخست، گرایش به شتابزدگی در داوری، و دیگری «تعدی به حقوق صاحب دیدگاه مورد نقد» (ص ۱۱۲)؛ (۲) «اخلاق باور اقتضا می‌کند هیچ سخنی را بدون نقد نپذیریم» (همان)؛ (۳) «اخلاق باور اقتضا می‌کند که هیچ باوری را بدون دلیل نپذیریم» (همان، ص ۱۲۴)؛ و (۴) هنگام بحث از نحوه نگارش مقاله و بدنه آن تصریح شود: «ارجاع در متن به دلیل افزایش در تمرکز و کاهش در زمان، حقوق خواننده را بیشتر از سایر روش‌های ارجاع رعایت

1. Richard Marius and Mevin E. Page, A short Guide to Writing about History, New York, 2002.

می‌کند و لذا اخلاقی‌تر است» (همان، ص ۱۹۹).

حافظ‌نیا در مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (۱۳۸۷)، که چهاردهمین چاپ آن در شمارگان ۳۰۰۰۰ نسخه منتشر شده است و این نکته استقبال گسترده از آن را نشان می‌دهد، در دو جا به چند نکته اخلاقی اشاره می‌کند: نخست، هنگام بحث از «ویژگی‌ها و قواعد تحقیق علمی» در کنار اوصافی چون قابلیت بررسی و توسعه داشتن، تعمیم‌پذیری و نظم، (ص ۲۱) ویژگی‌هایی اخلاقی پیش کشیده می‌شود، همچون «صبرطلبی» و ضرورت اینکه محقق «باید بسیار صبور و بردبار باشد» (همان، ص ۲۲) و «جرات‌طلبی» در مواجهه با مشکلات و ارائه نتایج (همان، ص ۲۳). دوم، هنگام بحث از شیوه نگارش تحقیق بر ضرورت استناد به آثار دیگران تأکید و سه دلیل برای آن آورده می‌شود که سومین آن جنبه اخلاقی دارد. از این منظر، استناد درست و مناسب: «احترام به حقوق دیگران است. ذکر مشخصات منابع و آثار دیگران نوعی قدردانی و ادای دین به کسانی است که اثر و نتیجه زحماتشان به غنی شدن کار تحقیقی او کمک نموده است. وظیفه اخلاقی، وجدانی و انسانی هر نویسنده و محققی این است که وقتی مطلبی را از منبع یا اثری بر می‌گیرد، قدرشناسی نموده، یاد صاحب آن را گرامی داشته، مشخصات اثر وی را در گزارش خود ذکر نماید» (همان، ص ۲۷۲-۲۷۳).

در روش تحقیق عملی: اقدام‌پژوهی (ایرانی و بختیاری، ۱۳۸۲)، به نقل از تحقیق عملی، نوشته ارنست تی. اسپرینگر، طی یک صفحه بر ضرورت «مراعات اخلاقی» در طول پژوهش تأکید شده و در آن سه نکته آمده است: «مطلع ساختن مسؤلان درباره تحقیق خویش، گفتگو با شرکت‌کنندگان در آزمون، و مذاکره با والدین و راهنمایان آموزشی» (۸۶-۸۷).

رویکرد مسلط بر مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (دلاور، ۱۳۸۵)، گویای جدایی دانش از ارزش است تا جایی که تصریح می‌شود، «در علم جایی برای قضاوت‌های اخلاقی و ارزشی وجود ندارد. به عبارت دیگر، مسئله علمی یک مسئله اخلاقی نیست (کرلینجر، ۱۹۸۶)». لذا باید از مفاهیم اخلاقی در صورت‌بندی فرضیه دوری جست (همان، ص ۹۵). با این حال، هنگام بحث از «مشکلات تحقیق کیفی» به «بار اخلاقی موجود» در این قبیل تحقیقات گریزی زده و به مسئله رازداری و تجاوز به حقوق انسانی آزمودنی‌ها، طی نیم صفحه (همان، ص ۲۶۳) اشاره می‌شود.

همچنین گفته می‌شود برخی اقدامات مانند استفاده از مشروبات الکلی، «ممکن است اصول اخلاقی و اعتقادات» محقق را به مخاطره اندازد، لذا وی باید «موضوع‌هایی را انتخاب کند که مخاطرات قانونی، اخلاقی، و جانی در آنها در صورت امکان حذف شود یا به حداقل برسد» (همان، ص ۲۶۴). حاصل آن که در این کتاب، اگر نگوییم اصل جدایی علم از اخلاق حاکم است، دست‌کم از طرح مسائل اخلاقی که همه پژوهشگران در فرایند گردآوری و تحلیل اطلاعات و نگارش نتیجه تحقیق خود با آنها مواجه می‌شوند، دوری شده است.

در سراسر کتاب ریاحی (۱۳۸۹)، هیچ ارجاعی به چشم نمی‌خورد، و «منابع و مآخذ» آن منحصر به هفت منبع فارسی است که تنها شامل نام آنها و نویسندگانشان می‌شود و فاقد مشخصات نشر است. در این نوشته تأکید شده است که محقق از ارزش‌های شخصی خود دور و نسبت به «موضوعات مورد تحقیق خود باید کاملاً بی‌نظر باشد» (ص ۳۴). در عین حال ذیل «ویژگی‌های یک تحقیق علمی» و «خصائل لازم برای محققان» بر چند نکته اخلاقی مانند دقت، حقیقت‌جویی، صداقت و دوری از پیش‌داوری تأکید شده است (همان، ص ۱۲۹).

در تدوین پایان‌نامه: شیوه‌ها و مهارت‌ها (فرامرزی قراملکی، و شالباف، ۱۳۸۹)، سه بار تعبیر «اخلاق پژوهش» آمده است. در اولین کاربرد اشاره شده است «اخلاق پژوهش اقتضا می‌کند که محقق از اتلاف سرمایه زمانی و مالی در تحقیق بپرهیزد و «دغدغه نتیجه‌بخشی و مفید بودن را داشته باشد» (ص ۹۲). دومین بار «توصیه» می‌شود که محقق برای احراز درستی فرآیند پژوهش خود، از متخصص اخلاق پژوهش یاری بگیرد و خود را به «ممیزی» او بسپارد (همان، ص ۹۸) و در سومین بار هنگام بحث از نحوه ارجاع درون‌متنی یا برون‌متنی، اظهار می‌شود: «اخلاق پژوهش بر سهولت و سرعت رؤیت مآخذ با حفظ تمرکز ذهنی خواننده دارد» در نتیجه ارجاع درون‌متنی بر شیوه‌های دیگر ترجیح دارد (همان، ص ۱۴۸).

بدین ترتیب، در سیزده کتاب اشاراتی پراکنده به اخلاق پژوهش شده است.

۴-۳. اخلاق به مثابه رفتار با آزمودنی‌های انسانی

در برخی از کتاب‌های روش تحقیق، اخلاق پژوهش صرفاً به معنای ضوابط اخلاقی ناظر به رفتار با آزمودنی‌ها یا شرکت‌کنندگان انسانی به کار رفته است. در این قبیل

کتاب‌ها که گاه در حوزه روان‌شناسی و گاه جامعه‌شناسی است، مباحثی چون لزوم رضایت آگاهانه، آگاهی از هدف و نتایج تحقیق، گمنامی و محرمانگی آمده است. کتاب‌های زیر، اخلاق پژوهش را به همین معنا به کار برده‌اند.

ساعی ارسی (۱۳۸۸) یک صفحه را به «منع‌های اخلاقی» (ص ۱۲۴-۱۲۵) اختصاص داده و با ابهام و پیچیدگی‌های نگارشی، تنها یک نکته را می‌آورد؛ در جایی که پژوهش مستلزم مداخله و دستکاری در زندگی انسان است، باید تأمل کرد.

ابراهیمی (۱۳۸۷) در کتابی با رویکرد روش تحقیق در محیط زیست که فاقد هر گونه منبعی است، دو صفحه را به بیانیه هلسینکی و قانون نورمبرگ (ص ۱۳۸-۱۴۰) اختصاص می‌دهد و توصیه می‌کند: «از ارائه و انجام طرح‌های تحقیقاتی که نتایج آن خطراتی را برای مردم، محیط زیست و یا روابط اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کند، شدیداً خودداری نمایید» (همان، ص ۴۲). البته وی تأکید می‌کند که محققان قبل شروع تحقیق، «در کلاس‌های آشنایی با مباحث اخلاق در پژوهش و نحوه رفتار با حیوانات شرکت نمایند» (همان، ص ۳۷). حال آن که جای پرسش است چنین کلاس‌هایی در کجا برگزار می‌شود و متولی آن کیست.

عریضی و فراهانی (۱۳۸۷) بخشی از فصل دوم کتاب خود را (ص ۷۹-۱۰۲) به مسائل اخلاق پژوهش در آزمایش‌های بالینی اختصاص داده‌اند و با اشاره به برخی آزمایش‌هایی چون آزمایش میلگرام و با استناد به ضوابط اخلاقی معروف این عرصه، همچون احترام به شرکت‌کنندگان، رضایت آگاهانه، و مسئله فریب، نتیجه می‌گیرند: «رعایت اصول اخلاقی در پژوهش‌های بالینی حائز اهمیت است، تلاش پژوهشگران در طی مراحل برنامه‌ریزی و گام‌های مختلف اجرای پژوهش باید در جهت فراهم آوردن حداکثر سودمندی و به حداقل رساندن خطرات احتمالی بالقوه، رعایت عدالت و رعایت حریم خصوصی شرکت‌کنندگان باشد» (همان، ص ۱۰۲). افزون بر این، مؤلفان هنگام بحث از «اخلاق و آمار»، به استناد آلتمن نتیجه می‌گیرند: «استفاده نابجا از آمار غیر اخلاقی است» (همان، ص ۴۰۷). این استفاده نابجا ممکن است شکل‌های مختلفی به خود بگیرد، از جمله «پژوهش روی مراجعین با تعداد نمونه بسیار کوچکی از آنها غیر اخلاقی است، زیرا در این صورت ممکن است اطلاعات مفیدی حاصل نیاید» (همان).

در آغاز هر فصل جمله معروفی از یکی از مشاهیر آمده است که همه بدون منبع و برخی نادرست است. برای نمونه از مارکس چنین نقل شده است: «اشکال فلاسفه قبلی این بود که تلاش داشتند جهان را توصیف کنند، من برعکس می‌خواهم آن را تغییر دهم» (همان، ص ۱۲۳). حال آن که مارکس چنین حرفی نزده است. در واقع این جمله شکل دگرگون شده تز یازدهم از تزه‌های یازده‌گانه درباره فوئرباخ و به این صورت است: «فیلسوفان تنها جهان را به شیوه‌های گوناگون تعبیر کرده‌اند ولی مقصود تغییر دادن آن است» (مارکس، ۱۳۷۹، ص ۸۳). در این قبیل آثار که در پی تعلیم پژوهش و اصول آن هستند، انتظار می‌رود که مؤلفان دقت در نقل داشته و منابع سخن خویش را نیز معرفی کنند و بدین ترتیب، دانشجویان را دقیق بار آورند. هدفی که این کتاب آن را تأمین نمی‌کند.

شریفی و شریفی (۱۳۸۶) بخش «رعایت جنبه‌های اخلاقی در آزمایش مربوط به انسان» (ص ۱۵۵-۱۶۱) را در این کتاب گنجانده‌اند که «با برخی اصلاحات و ویرایشی عیناً از کتاب روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری تألیف جان بست، ترجمه شریفی طالقانی، ۱۳۷۹، گرفته شده است.» (همان، ص ۱۵۵) در این قسمت شاهد طرح مسائلی مانند ضرورت رضایت آگاهانه، عدم تجاوز به حریم خصوصی افراد، رازداری، و آگاهی از نتیجه هستیم. در باب این بخش دو نکته گفتنی است، نخست آن که ناظر به بحث خاص اخلاق پژوهش است و دیگر آن که برگرفته از متنی انگلیسی است و مؤلفان لازم ندیده‌اند، در این باره خود سخنی متناسب با فرهنگ کشور ما بگویند.

کتاب روش تحقیق کیفی (سفیری، ۱۳۸۷) با تأکید بر علوم اجتماعی و ارتباطات فراهم آمده است. این اثر در واقع ترجمه و تألیف است بی آن که مشخص باشد کدام بخش تألیف و کدام یک ترجمه است. فصل سوم (ص ۶۸-۹۱) تنها به مسائل خاص اخلاقی پژوهش بر سوژه‌های انسانی، مانند رازداری، اختصاص یافته و در آن سخن از آیین‌نامه «نورن‌برگ»^۱ و بیانیه هلسینکی (۷۰) رفته است.

از کیا و دربان آستانه فصل سوم از کتاب خود را (۱۳۸۲، ص ۶۵-۸۲)، به مسائل اخلاقی در پژوهش که پژوهشگران علوم اجتماعی با آنها مواجه می‌شوند، اختصاص

۱. البته در زبان فارسی ضبط درست آن نورمبرگ است.

می‌دهند و در آن بر اصولی چون رعایت رازداری و شرکت داوطلبانه در آزمایش تأکید می‌کنند. افزون بر این، دو نکته عام اخلاق پژوهش در این کتاب آمده است: یکی ناظر به تحلیل یافته‌ها یا «صداقت در تجزیه و تحلیل و گزارش نویسی» (همان، ص ۷۹) است و دیگری «امانتداری» مصاحبه‌گر در هنگام مصاحبه و انتقال درست گفتگوها است (همان، ص ۴۹۲).

در *گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی* (دیانی، ۱۳۸۵) که «تألیف و ترجمه» است، بحثی اخلاقی در باب پژوهش دیده نمی‌شود، جز یک بند به این صورت: «معدورات [کذا] اخلاقی و انسانی نیز باید در طراحی هر پژوهشی مورد توجه باشد. نمی‌توان پژوهشی را اجرا کرد که گردآوری اطلاعات و یا نتایج تحلیل اطلاعات آن مغایر معیارهای اخلاقی و انسانی جامعه مورد پژوهش باشد. استفاده بدون مجوز از پرسش‌های روان‌سنج، استفاده از پرسش‌های روان‌سنج بدون کسب مجوز از خود یا خانواده آزمودنی، دسترسی غیر مجاز به اطلاعات مربوط به منابع مالی آزمودنی‌ها، استفاده غیر مجاز از شیوه‌های گردآوری اطلاعات که حیثیت انسانی یا سلامت جسمی آزمودنی را به خطر می‌اندازد؛ موارد اخلاق نامناسبی هستند که نباید در طرح پژوهش گنجانده شوند» (ص ۱۹).

کتاب *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی* (فرجی ۱۳۸۹)، در اصل اثری تألیفی نیست، بلکه برگرفته از یازده کتاب روش تحقیق در این زمینه است که به صورت تألیف یا ترجمه و به زبان فارسی منتشر شده است و نتیجه تلاش کسانی است که در این عرصه قلم زده‌اند و «حاصل تتبع در آثار و تألیفات آنان است» (پیش‌گفتار). این اثر جزو مجموعه‌ای است که در جهت گردآوری و ساده‌سازی مطالب برای داوطلبان کنکور در مقطع کارشناسی ارشد فراهم آمده است و به همین سبب در انتهای هر فصل، نمونه سؤالاتی از کنکورهای سال‌های قبل گنجانده و در انتهای کتاب نیز پاسخ آنها آمده است. در این کتاب، که از جهتی آینه دیگر آثار روش تحقیق به شمار می‌رود و بازگوی انتظارات طراحان سؤال کنکور کارشناسی ارشد است، نشان و ردپایی از مسائل اخلاقی پژوهش دیده نمی‌شود، ظاهراً جز یک سؤال چهار گزینه‌ای در انتهای فصل ششم به این شکل «همه موارد زیر جز [و] اصول اخلاقی اجرای تحقیق به شمار می‌رود، به جز: الف) رضایت آگاهانه آزمودنی‌ها؛ ب) آگاهی آزمودنی‌ها از نتیجه

تحقیق؛ ج) حراست آزمودنی‌ها در برابر آسیب‌ها و فشار؛ و د) ذکر هویت کامل آزمودنی‌ها در گزارش تحقیق» (ص ۲۲۱). البته همین اصول نیز در این فصل یا فصول دیگر توضیح داده نشده است.

بدین ترتیب، هشت کتاب اخلاق پژوهش را به معنای ضوابط حاکم بر رفتار با آزمودنی‌های انسانی دانسته و این گونه آن را بحث کرده‌اند.

۵-۳. طرح مباحث عمومی اخلاق پژوهش

در واقع، یکی از اجزای هر کتاب روش تحقیق تعلیم برخی اصول و ضوابط عام اخلاق پژوهش است؛ اصولی که در هر زمینه‌ای و در همه مراحل تحقیق حضور دارند. برخی از آثار مشخصاً به این نکته توجه کرده و گاه اشاره‌وار و زمانی به تفصیل این بحث را پیش کشیده‌اند. آثاری که در زیر تحلیل شده‌اند، این رویکرد را نشان می‌دهند.

هدف اصلی کتاب سیف (۱۳۷۵)، که بر اساس «راهنمای انتشارات انجمن روان‌شناسی آمریکا» فراهم آمده است، تعلیم اجرای پژوهش نیست. بلکه صرفاً تهیه پژوهشنامه یا طرح و نقشه تحقیق است. با این حال، در بحث «شیوه‌های استناد کردن»، از ارجاع مستقیم به منابعی که مستقیماً پژوهشگر از آنها استفاده نکرده است، پرهیز داده شده و این کار «از نظر علمی ناروا» شمرده شده است (ص ۴۰). همچنین تأکید شده است هنگامی که به منابع مورد استناد پژوهشگر دیگری، بی آن که خودمان به آنها رجوع کرده باشیم، ارجاع می‌دهیم، چه بسا دچار خطا شویم و تحریفات و سوء فهمی را که آن پژوهشگر میانجی دچارش شده است، ما را نیز گرفتار خود سازد. لذا یا باید به اصل منابع رجوع کنیم و سپس به آنها استناد نماییم، یا آنکه در صورت استفاده از منابع میانجی، «به صراحت مشخص کنید که آن مطلب را از یک منبع دست دوم گرفته‌اید» (همان).

بیابانگرد (۱۳۸۲)، یازدهمین فصل از روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی خود را به «مسائل اخلاقی در تحقیقات اجتماعی» اختصاص داده و در آن مباحث خاص اخلاق پژوهش یا اخلاق پژوهش بر آزمودنی‌ها یا شرکت‌کنندگان انسانی، همچون رضایت آگاهانه و مسئله فریب، را پیش کشیده شده است (ص ۱۶۰-۱۶۸). با این حال، ذیل عنوان «سوء رفتار علمی و فریب»، بحثی عام آمده است که ناظر به

دستکاری نتایج یا سرقت علمی از دیگران و بی‌دقتی در گردآوری و تحلیل اطلاعات است. در این بخش به مسئله دستکاری نتایج و فریب مخاطبان پژوهش پرداخته و تصریح شده است که این کار «شالوده طبیعت فرآیند علمی را ویران می‌کند.» (همان، ص ۱۶۶). از این منظر، «فریب به هر گونه تحریف، بد جلوه دادن، و سرقت داده‌ها، یافته‌ها و افکار دیگران می‌گویند. این مورد شامل تحریف داده‌ها، شاخ و برگ دادن و آراستن گزارش‌های پژوهش، گزارش پژوهش‌هایی که انجام نشده است یا دستکاری داده‌ها به نحوی که فریبنده باشد، می‌شود» (همان). همچنین در این فصل سه توصیه اخلاقی عام که مشخصاً جز اخلاق پژوهش به معنای عام آن است و اختصاص به رشته معینی ندارد و در آثار دیگر کمتر به چشم می‌خورد آمده است. این سه نکته برای پیشگیری از خطا و تقلب در اجرای تحقیقات علمی و ارائه آنها است. طبق نکته نخست، باید بر پژوهشگران نوآموز نظارت کرد تا هنگامی که «اثری خوب و رفتار اخلاقی نشان داده و صلاحیت فنی خود را به ثبوت برسانند»، دوم آن که «سازمان‌ها لازم است بر کار محققان بیش از اندازه پرکار نظارت کنند» و سوم آن که «محققان برجسته نباید بدون بررسی دقیق تحقیق اجازه دهند نام آنها در گزارش تحقیق ذکر شود» (همان). با این همه، ممکن است تحقیقی متقلبانه اجرا و در نشریات علمی درج شود. در این صورت، «مجلات موظفند» خبر این تقلب را گزارش کنند و مانع استناد پژوهشگران به آن شوند (همان). همچنین تأکید شده است که محققان در اطلاعاتی که به دست می‌دهند، دقت کنند و تصویر تحریف شده‌ای از نتایج به دست ندهند.

فصل هجدهم کتاب دو جلدی بیابانگرد (۱۳۸۷) که به روش تحقیق در حوزه‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، اختصاص دارد، طی یازده صفحه، «مسائل اخلاقی در تحقیقات اجتماعی» (ص ۴۲۵-۴۳۵) را پوشش می‌دهد و مسائلی چون رضایت آگاهانه، «فریب دادن»، «حق حریم خصوصی»، «ضرر، فشار و نفع»، «پژوهش‌های سفارشی»، «سوء رفتار علمی و فریب» را بررسی می‌کند. برخی از این مباحث جزو اخلاق پژوهش به معنای خاص آن است، مانند رضایت آگاهانه، حال آن که بحث «سوء رفتار علمی و فریب» بحثی عام است و ناظر به دستکاری نتایج یا سرقت علمی از دیگران و بی‌دقتی در گردآوری و تحلیل اطلاعات است. از این منظر، «فریب به هر گونه تحریف، بد جلوه دادن، و سرقت داده‌ها، یافته‌ها و افکار دیگران گفته می‌شود. این مورد شامل

تحریف داده‌ها، شاخ و برگ دادن و آراستن گزارش‌های پژوهش، گزارش پژوهش‌هایی که انجام نشده است یا دستکاری داده‌ها به نحوی که فریبنده باشد، می‌شود» (همان، ص ۴۳۲).

همچنین در این فصل سه توصیه اخلاقی عام که مشخصاً جزو اخلاق پژوهش به معنای عام آن است و اختصاص به رشته معینی ندارد و در آثار دیگر کمتر به چشم می‌خورد آمده است. این سه نکته برای پیشگیری از خطا و تقلب در اجرای تحقیقات علمی و ارائه آنها است. طبق نکته نخست، باید بر پژوهشگران نوآموز نظارت کرد تا هنگامی که «اثری خوب و رفتار اخلاقی نشان داده و صلاحیت فنی خود را به ثبوت برسانند»، دوم آن که «سازمان‌ها لازم است بر کار محققان بیش از اندازه پرکار نظارت کنند» و سوم آن که «محققان برجسته نباید بدون بررسی دقیق تحقیق اجازه دهند نام آنها در گزارش تحقیق ذکر شود» (همان).

با این حال ممکن است تحقیقی متقابلانه اجرا و در نشریات علمی درج شود. در این صورت، «مجلات موظفند» خبر این تقلب را گزارش کنند و مانع استناد پژوهشگران به آن شوند (همان). همچنین تأکید شده است که محققان در اطلاعاتی که به دست می‌دهند، دقت کنند و تصویر تحریف شده‌ای از نتایج به دست ندهند. در این بخش صرفاً از منابع و مراجع غربی، آن هم به شکل محدود، جمعاً هفت منبع، استفاده شده است. با این همه، تا کنون از میان منابع فارسی، بیشترین توجه به مباحث اخلاقی در این کتاب دیده شده است که در عین اختصار و انسجام به مباحث عام اخلاق پژوهش نیز اشاره شده است.

ساختار، مسائل و حتی عبارات مباحث اخلاقی این دو کتاب مانند هم است و آگاهانه برخی مباحث تکراری نقل شد تا شدت این شباهت آشکارتر گردد. انتظار می‌رفت که نویسنده در اثر بعدی خود اندکی بحث را گسترش دهد و یا دست‌کم از عبارات متفاوتی سود جوید، نه آن که همان مباحث را بازگوید.

صدوقی (۱۳۸۶) با ادعای منحصر به فرد بودن کتاب خود در عرصه پژوهش کیفی در روان‌شناسی، نیازی به ارجاع به آثار مشابه ندیده است و در منابع خود هیچ اثر فارسی نیاورده است، با آنکه دست‌کم از برخی منابع حدیثی در فصل اخلاق پژوهش خود بهره برده است. فصل دوازدهم این کتاب به «اخلاق در پژوهش» اختصاص دارد و نویسنده طی ۲۲ صفحه (۲۲۱-۲۴۲)، در آغاز همان مباحث ناظر به اخلاق پژوهش بر

آزمودنی‌ها یا شرکت‌کنندگان انسانی را به استناد منابع انگلیسی آورده و طی آنها از ضوابطی چون رعایت رضایت آگاهانه، رازداری، و حفاظت از اسناد، سخن گفته است. در بخش دوم این فصل با عنوان «اخلاق اسلامی در پژوهش» اشاره شده است که در این زمینه «فعالیت چندانی در این زمینه صورت نگرفته است» (همان، ص ۲۳۷). با این نگاه، و بدون ارجاع به آثاری که در این زمینه در نوشته‌های دیگران دیده می‌شود، و با استفاده از راهنمایی فریدون شریفیان و همکارانش، طی شش صفحه از اخلاق اسلامی در پژوهش سخن گفته شده است. در این بخش، «نقش معیارهای اخلاقی در سه مرحله اولیه پژوهش، حین انجام و پس از انجام داده‌ها» بیان شده است (همان). این معیارها عبارتند از: «تخصص‌گرایی»، «بدیع بودن موضوع و تحقق ملاک مفید بودن»، «ارتباط صمیمانه با شرکت‌کنندگان و احترام به تمایل آنان برای شرکت در پژوهش»، «پرهیز از تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد»، «بهره‌گیری از مشورت و رایزنی»، «رازداری و مسئولیت‌پذیری»، «انصاف در داوری»، و «انتقاد صحیح» (همان، ص ۲۳۷-۲۴۱)، که پس از ذکر هر یک آیات یا روایاتی به سود آنها نقل شده است. نویسنده بدون تحلیل مسائل، به کلی‌گویی و ادعاهای بی‌دلیل در این قسمت بسنده کرده است. برای مثال، در باب انتقاد، بر آن است: «بر خلاف تصور برخی از افراد، نقد و انتقاد صرفاً به معنای شمردن نقاط ضعف نیست، بلکه انتقاد صحیح، یعنی اشاره به نکات مثبت و منفی یک اثر» (همان، ص ۲۴۱). چنین ادعایی، افزون بر فقدان دلیل و ندادن ارجاع مناسب، عملاً بخش عمده‌ای از انتقادها را، در صورتی که صرفاً بیان اشکالات یک کتاب باشند، غیر صحیح خواهد شمرد و از دایره نقد بیرون خواهد گذاشت، حال آنکه این داوری خود نیازمند بررسی است.^۱

مؤلف در این قسمت، از یافته‌ها و اشارات دیگران بهره‌ای نگرفته و جزیره‌وار بحث کرده است. حق آن بود که هم در بحث اخلاق پژوهش و هم در بحث از خود روش تحقیق کیفی به آثاری که در زبان فارسی وجود دارند، چه ترجمه و چه تألیف اشارتی می‌شد.

در واقع، تنها چهار عنوان از کتاب‌های بررسی شده به مباحث عمومی اخلاق پژوهش پرداخته‌اند و این مسئله را در فرآیند تحقیق بازگفته‌اند.

۱. برای توضیح بیشتر درباب چنین داوری‌هایی نگاه کنید به: اسلامی، سید حسن (۱۳۸۳)، اخلاق نقد، قم، نشر معارف.

۴. تحلیل داده‌ها

مرور پژوهش‌های انجام شده در کشور و رفتارهای غیر اخلاقی که در برخی از آنها رخ می‌دهد، مانند بی‌اعتنایی به یافته‌های محققان دیگر و ارجاع ندادن به معاصران (اسلامی، ۱۳۸۸)، و بدتر از آن سرقت یافته‌های پژوهشی دیگران، که گاه متأسفانه از سوی برخی دانشگاهیان صورت می‌گیرد (اسلامی، ۱۳۹۰ ب)، ضرورت توجه به اخلاق پژوهش و پرداختن به آن را مبرم‌تر می‌کند. قبح اخلاقی برخی کارهای ضد اخلاقی چنان ریخته که ادعا شده است در اطراف دانشگاه تهران، آگهی نوشتن پایان‌نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و حتی دکتری به دیوار زده شده است. مرور کتاب‌های روش تحقیق به خوبی نشان می‌دهد که اساساً برای شماری از مؤلفان آنها مسئله‌ای به نام اخلاق پژوهش وجود ندارد و برخی خودشان به سادگی آن را در نگارش همین قبیل کتاب‌ها زیر پا می‌گذارند که به مواردی از آنها پیشتر اشاره شد.

در فرهنگ اسلامی که اخلاق و علم در هم تنیده است و ما خود را وارث آن می‌دانیم، این بی‌توجهی به اخلاق پژوهش و تحقیق را امری صرفاً مکانیکی دیدن و پایبندی به میراث پوزیتیویستی پذیرفتنی نیست. این بی‌اعتنایی در حالی صورت می‌گیرد که امروزه در مجامع غربی، به‌رغم نگرش جدایی ارزش از علم که در نیمه اول قرن بیستم حاکم بود، شاهد عطف توجهی به اخلاق پژوهش و ضرورت التزام به آن در سراسر فرآیند تحقیق هستیم. برای مثال، اِرنل بیبی، در ویراست پنجم *مقدمه‌ای بر تحقیق اجتماعی* (ببی، ۲۰۱۱)، بارها به ابعاد اخلاقی پژوهش اشاره می‌کند. وی افزون بر اختصاص دادن فصل پانزدهم به مسائل اخلاقی و سیاسی پژوهش (ببی، ۲۰۱۱، ص ۴۷۶-۵۰۲)، حدود ۳۵ مورد در سراسر کتاب به مسائل اخلاقی فراروی پژوهش، اشاره می‌کند و شیوه‌های رفتار درست اخلاقی را برای پژوهشگران توضیح می‌دهد، از مسائل اخلاقی مرحله گردآوری داده‌ها، تا تفسیر آنها و برخورد با شرکت‌کنندگان انسانی، تا مسئله پرهیز از سرقت علمی یا انتحال. برای نمونه، وی طی دو صفحه نحوه

۱. «در اطراف دانشگاه تهران، آگهی سفارش نوشتن پایان‌نامه و رساله به دیوارها چسبانده شده است، برای دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری و برای هر نوع سلیقه‌ای. می‌توانی سفارش بدهی و پس از مدتی کار را تحویل بگیری. کم و بیش بین یک و نیم تا هفت میلیون تومان آب می‌خورد» (محمودی، سید علی (دی ۱۳۹۰)، اقلیم‌های سه‌گانه زندگی من، مهرنامه، شماره ۱۸، ص ۳۴).

پرهیز از انتحال^۱ را توضیح می‌دهد و با آوردن نمونه‌های درست و غلط نگارش گزارش تحقیق (همان، ص ۶۶۶-۶۶۷)، گام به گام دانشجویان را با مسائل اخلاق پژوهش آشنا می‌کند. در مقابل، در هیچ یک از کتاب‌های بررسی شده، این حجم به بحث انتحال و سرقت علمی اختصاص نیافته است و در آنها یا اشاره‌ای به این معضل بزرگ و آسیب‌جدی پژوهش نشده است و یا صرفاً به توصیه‌ای کلی در حد دو سه سطر بسنده شده است.

بخشی از دشواری کتاب‌های روش تحقیق که به فارسی تألیف شده است، آن است که یا اساساً به اخلاق پژوهش توجهی نمی‌کنند، یا آن را به صفات فردی پژوهشگر فرو می‌کاهند و یا در حالت آرمانی خود به توصیه‌های کلی بسنده می‌کنند. برای مثال، گفته می‌شود که نباید یافته‌های علمی دیگران را سرقت کرد و به نام خود منتشر ساخت. اما این توصیه کلی راهگشای دانشجویان نیست. کافی نیست گفته شود سرقت علمی یا انتحال از نظر اخلاقی خطا است، بلکه باید به گونه‌ای مشخص روشن شود که چه کارهایی مصداق سرقت علمی است. برای مثال، گرفتن ایده‌های دیگران یا نقل قول مستقیم، اما بدون آوردن علامت نقل قول مستقیم نیز از انواع انتحال‌ها به شمار می‌روند (اسلامی، ۱۳۹۰ ب)، حال آنکه به این نکات اشاره نمی‌شود.

لطف‌آبادی (۱۳۸۶)، با بررسی ۷۸ مقاله روان‌شناختی که در چهارده نشریه علمی-پژوهشی منتشر شده است، نتیجه می‌گیرد که فلسفه و نگرش تحصیلی یا پوزیتیویستی بر این مقالات مسلط است. اگر مجاز به تعمیم این یافته به کتاب‌های روش تحقیق تألیف شده به زبان فارسی باشیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که غالب این کتاب‌ها از این دیدگاه تبعیت می‌کنند و ناگفته به تفکیک گزاره‌های ارزشی از واقعی یا علم از اخلاق باور دارند. در نتیجه نیازی به طرح بحث اخلاق پژوهش نمی‌بینند. حاصل این نگرش، غیاب اخلاق پژوهش در این آثار یا بی‌رمقی آن است.

۵. جمع‌بندی و پیشنهاد

لازم است که بحث اخلاق پژوهش از صورت بحثی تزیینی یا حاشیه‌ای بیرون آید و، افزون بر تألیفات مستقل در این عرصه، در کتاب‌های روش تحقیق جایگاه مناسبی پیدا

1. Plagiarism

۲. گفتنی است که ویراست قبلی این اثر بسیار آموزنده ترجمه و در دو جلد با مشخصات زیر منتشر شده است:

ببی، ارل (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت.

کند. صورت پیشنهادی برای این کار آن است که در همه کتاب‌های روش تحقیق فصلی به مباحث اخلاق پژوهش اختصاص داده شود. در این فصل، پنج بخش مجزا بیاید: (۱) بخشی ناظر به اخلاق پژوهشگر و صفاتی که باید داشته باشد، مانند صبر و شکیبایی که لازمه کار تحقیق است؛ (۲) مباحث کلی اخلاق پژوهش را که بر روند گردآوری، یادداشت، تحلیل و نگارش و ارائه متن حاکم است، مانند پرهیز از انتحال، ارجاع به معاصران، دقت در نقل، انصاف در نقد و پرهیز از داوری شتابزده آورده شود. این دو بخش در هر کتاب روش تحقیق باید باشد، چه آن کتاب روش تحقیق در آزمایشگاه را تعلیم بدهد و چه کتابخانه، چه با محوریت علوم رفتاری باشد و چه با تأکید بر علوم قرآنی؛ (۳) در این بخش، مسائل خاص اخلاق پژوهش که در برخی رشته‌ها وجود دارد، بحث گردد. برای مثال، روان‌شناسان تجربی به طور طبیعی با آزمایش بر حیوانات درگیرند، از این رو باید بحث آزمودنی‌های حیوانی و مسائل اخلاقی آن بحث شود، مانند رعایت سه اصل جایگزینی^۱، کاهش حجم^۲ و پالایش^۳ یا کاهش درد و رنج بی‌دلیل و انسانی‌سازی آزمایش‌ها (مفام، ۲۰۰۵، ص ۱۸۷-۱۹۱). همچنین در کتاب‌های روش تحقیق اجتماعی، مباحثی چون رازداری، رعایت حریم خصوصی و رضایت آگاهانه بحث شود، حال آن که ممکن است در تحقیقات کتابخانه‌ای یا تاریخی نیازی به این بخش نباشد؛ (۴) در این بخش، تعارض‌های اخلاقی که در فرایند پژوهش رخ می‌دهد و پژوهشگر را متحیر می‌سازد مطرح شود؛ و (۵) سرانجام در آخرین بخش، رسوایی‌های معروف زاده نقض اخلاق پژوهش و همچنان اسوه‌های اخلاقی در اخلاق پژوهش نقل شود تا هم مشوق پژوهشگران در مسیر درست باشد و هم بازدارنده آنان از خطاهای اخلاقی در پژوهش.

1. Replacement.
2. Reduction.
3. Refinement.

منابع

- آخشیک، سمیه سادات، (۱۳۸۹)، خلاصه مباحث روش‌های تحقیق و آمار ویژه متقاضیان ورود به دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران، کتابدار.
- ابراهیمی، منصور، (۱۳۸۷)، اصول و روش تحقیق در محیط زیست، منصور ابراهیمی، قم، دانشگاه قم.
- احمدی گیوی، حسن، (۱۳۷۳)، آیین پژوهش و مرجع‌شناسی، تهران، هما.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه، (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، کیهان، ج ۱.
- استادی، رضا (۱۳۸۶)، روش تحقیق، قم، قدس، ۱۳۸۶.
- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۸)، «مسئله ارجاع به معاصران در اخلاق پژوهش»، راهبرد فرهنگ، شماره ۸-۹، زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹.
- _____، (۱۳۹۰ الف)، درآمدی بر اخلاق پژوهش در علوم اسلامی و انسانی، در اخلاق پژوهش: مبانی و مسائل، به کوشش محسن جوادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (۱۳۹۰ ب)، «چو دزدی با چراغ آید: سرقت علمی در سطح دانشگاهی»، آینه پژوهش، شماره ۱۲۶، فروردین و اردیبهشت.
- اصغری‌پور، داود، (۱۳۸۵)، «کتاب‌شناسی روش تحقیق و روش‌شناسی علوم انسانی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، پاییز.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی، (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، و سایر رشته‌های ذیربط، تهران، مدیران.
- ایرانی، یوسف و ابوالفضل بختیاری، (۱۳۸۲)، روش تحقیق عملی (اقدام‌پژوهی)، تهران، لوح زرین، ۱۳۸۲.
- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، مهربان‌نشر.

_____، (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، دوران.

حافظ‌نیا، محمد رضا، (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت. حری، عباس (۱۳۶۲)، تحلیل استنادی و شباهت‌های آن با علم الحدیث، نشر دانش، سال چهارم، شماره ۲.

حقیقت، سید صادق، (۱۳۸۵)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید. خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، روش تحقیق با رویکردی بر پایان‌نامه نویسی، ویرایش ۲، تهران، بازتاب.

خرسند، غلامحسین، (۱۳۵۶)، اصول روش تحقیق و کاربرد کامپیوتر، تهران، روزبهان. خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و فرهنگی، تهران، انتشارات آن.

_____، (۱۳۷۵)، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، یادواره کتاب، [بی‌جا]. خواجه‌نوری، عباسقلی، (۱۳۷۴)، روش تحقیق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴. دانایی فرد، حسن، سید مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۳)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، صفار.

دلاور، علی، (۱۳۸۵)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، ویرایش دوم، تهران، رشد. دهنوی، حسین، (۱۳۷۹)، روش تحقیق، قم، دار الصادقین.

دیانی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی، مشهد، کتابخانه رایانه‌ای.

ربانی، هادی، (۱۳۷۷)، پژوهش روشمند: آشنایی با مقدمات پژوهش، تهران، کتاب باز. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

رونق، محمد علی، (۱۳۶۴)، کتاب‌شناسی روش تحقیق، نشر دانش، سال پنجم، شماره ۳، فروردین و اردیبهشت.

ریاحی، غلامحسین، (۱۳۸۹)، آشنایی با اصول و روش تحقیق به انضمام چگونگی تهیه گزارش، تهران، اشراقیه، ۱۳۸۹.

- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۱)، تحقیق درست، در یادداشت‌ها و اندیشه‌ها: از مقالات، نگاهها و اشارات، تهران، اساطیر.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم، جلد سوم روش‌های کمی: فنون و ابزارهای پیشرفته پژوهش، تهران، دیدار.
- _____، (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول: اصول و مبانی، جلد دوم: بینشها و فنون.
- ساعی ارسی، ایرج، (۱۳۸۸)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی (ابزارها و فنون کمی پژوهش)، تهران، انتشارات بهمن برنا.
- ساعی، علی، (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رویافت عقلانیت انتقادی)، تهران، سمت.
- ستوده، غلامرضا، (۱۳۷۱)، مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تهران، سمت.
- سرافراز، علی اکبر، (۱۳۶۶)، راهنمای پژوهش و نگارش، مشهد، [بی‌تا].
- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۷)، روش تحقیق کیفی، تهران، پیام پویا.
- سیف، علی اکبر، (۱۳۷۵)، روش تهیه پژوهشنامه در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- شریفی، حسن پاشا و نسترن شریفی، (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، سخن.
- صاحبی، علی، (۱۳۸۰)، روش تحقیق در روان‌شناسی بالینی، تهران، سمت.
- صافی، قاسم، (۱۳۸۶)، مقدمات و روش‌های مطالعه و پژوهش، تهران، مؤسسه نشر ویرایش.
- صبری، نورمحمد، (۱۳۸۲)، درآمدی بر روش تحقیق در حقوق، تهران، میزان.
- صدوقی، مجید، (۱۳۸۶)، پژوهش کیفی در روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران، هستی‌نما.
- طالب، مهدی، (۱۳۸۰)، شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی: روش تحقیق عملی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- طالقانی، محمود، (۱۳۸۱)، روش تحقیق نظری، [بی‌جا]، دانشگاه پیام نور.
- طوسی، بهرام، (۱۳۷۳)، راهنمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی، مشهد، ترانه، ۱۳۷۳.
- ظهوری، قاسم، (۱۳۷۸)، کاربرد روش‌های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت، تهران، میر.
- عریضی، حمید رضا و حجت الله فراهانی، (۱۳۸۷)، روش‌های کاربردی پژوهش در روان‌شناسی بالینی و مشاوره، تهران، دانژه.
- عزتی، مرتضی، (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی: کاربرد در زمینه مسایل اقتصادی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- علوی، پرویز، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق، تهران، مؤسسه علوم نوین.
- عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۱)، روش تحقیق و تدوین رساله دکتری، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.
- فرامرز قراملکی، احد و عذرا شالیباف، (۱۳۸۹)، تدوین پایان‌نامه (شیوه‌ها و مهارت‌ها)، قم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم.
- فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۵)، اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- _____، (۱۳۸۷)، روش‌شناسی مطالعات دینی: تحریری نو، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس، (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، سروش.
- فراهانی، حجت الله و حمیدرضا عریضی، (۱۳۸۸)، روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی، اصفهان، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان ۱۳۸۸.
- فرجی، نصرالله، (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، پوران پژوهش، ۱۳۸۹.
- فرخزاد، پرویز، (۱۳۸۴)، راهنمای پژوهش تاریخی (کتابخانه‌ای)، تهران، طهوری.
- قائمی، علی، (۱۳۷۲)، روش تحقیق با تأکید بر مکتب‌شناسی، ویراست دوم، تهران، امیری.

- کامران، فریدون، و علی اکبر نیک خلق (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، چاپخش.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۸۶) *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران، نی.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵) *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS*، تهران، شریف.
- لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۸۶)، «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات پژوهشی در ایران»، حوزه و دانشگاه، سال ۱۳، شماره ۵۱، تابستان.
- مارکس، کارل، انگلس، فردریش، یلخانف، گئورگی (۱۳۷۹)، *لودویگ فوئرباخ و ایدئولوژی آلمانی*، ترجمه پرویز بابایی، تهران، چشمه.
- محمدپور، احمد، (۱۳۸۹)، *فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، تهران، جامعه‌شناسان.
- محمدی، بیوک، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصدق، حمید (۱۳۵۰)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق*، کرمان، مدرسه عالی مدیریت کرمان.
- معنوی‌پور، داود و علیرضا خائفی، (۱۳۸۸)، *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری همراه با روش تدوین پیشنهاد پژوهش*، تهران، هزاره ققنوس.
- ملائی توانی، علیرضا، (۱۳۸۶)، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی.
- موسی‌پور، نعمت‌الله و علوی، سید حمیدرضا (۱۳۸۵)، *نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مهاجری، علیرضا، (۱۳۸۶)، *مبانی روش تحقیق: تدارک مقاله‌های تحقیقی و پایان‌نامه‌های دانشجویی*، ویرایش دوم، تهران، چاپار.
- میرجعفری حسین و مرتضی نورانی (۱۳۸۷)، *روش پژوهش در تاریخ*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرزایی، حمید و ناصر مدیرشها (۱۳۸۶)، *مفاهیم اساسی در روش‌های تحقیق*، تبریز، دانشگاه آزاد واحد تبریز.

میرزایی، خلیل، (۱۳۸۸)، پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی، تهران، جامعه‌شناسان.

ناجی، سعید، (۱۳۸۲)، «نقد کتاب فلسفه علم و متدولوژی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره ۳۴، بهار.

_____، (۱۳۸۵)، «نقدی بر آموزش روش تحقیق در نظام آموزشی کشور»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان.

نادری، عزت الله و مریم سیف نراقی، (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)، ویرایش پنجم، تهران، ارسباران.
نبوی، بهروز، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، کتابخانه فروردین.

نکونام، جعفر، (۱۳۸۶)، روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی ویژه دوره‌های تحصیلات تکمیلی، ویرایش دوم، قم، دانشگاه قم.

نوالی، محمود (۱۳۸۰)، فلسفه علم و متدولوژی، تبریز، دانشگاه تبریز.
نورائی، مرتضی، (۱۳۸۷)، راهنمای نگارش در تاریخ: دستنامه تحقیق برای دانشجویان، مشهد، جهاد دانشگاهی.

هروی، جواد، (۱۳۸۶)، روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ: راهنمای نگارش تحقیقات در علوم انسانی و تاریخ، تهران، امیرکبیر.

یاحقی، محمد جعفر و محمد مهدی ناصح، (۱۳۶۸)، راهنمای نگارش و ویرایش، ویراست دوم، ۱۳۶۸.

Babbie, Earl, (2011), *Introduction to social research*, 5th edition, wadsworth, Belmont, USA.

Mepham, Ben, (2005). *Bioethics: an introduction for the biosciences*, Oxford, Oxford University Press.

Pickard, Alison Jane (2007), *Research Methods in Information*, London, Facet Publishing



پښتو ښکاري ځايه علوم انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني